

آسیب شناسی و پیامدهای منفی روابط دختران و پسران نوجوان در جامعه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۵/۱۲)

شهربانو رئوف

چکیده

بر اساس تعاملات بین فردی نمی توان هر ارتباطی را "دوستی دختر و پسر" نامید در واقع می توان رابطه با جنس مخالف را این گونه تعریف کرد: رابطه دوستی با جنس مخالف ارتباطی است که بین پسر و دختر وجود دارد و در این ارتباط عشق، محبت، صمیمیت وجود دارد به همین علت ارتباط بین معلم و شاگرد، هم کلاسی و مانند آن که برای اهداف خاص و ویژه ای است رابطه دوستی دختر و پسر گفته نمی شود گاهی علاقه به جنس مخالف و نیاز به ارتباط با او از هنجارهای دینی و اجتماعی خارج می شود که این مسئله هم گناه و هم غیراخلاقی است. با توجه به این که ارزش های دینی و فرهنگ یک جامعه از معیارهای مهم درک و تشخیص مسائل اجتماعی است و از آنجائی که اسلام، دین اکثریت افراد جامعه است و می توان گفت که روابط میان دختر و پسر در جامعه اسلامی ما جایگاه مطلوبی ندارد. پس طبیعی است که روابط دختر و پسر قبل از ازدواج از دید ارزش ها، سنت ها و هنجارهای فرهنگی و دینی ما یک مسئله اجتماعی است. اما در مورد این که این روابط یک مسئله و گرفتاری شخصی افراد است یا جزء مسائل عام ساخت اجتماعی است، باید گفت که این امر از یک طرف یک مسئله و گرفتاری شخصی است که جوانان را با این مشکل مواجه کرده که چگونه با جنس مخالف رفتار کنند؟ در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت آسیب شناسی و پیامدهای منفی روابط دختران و پسران نوجوان در جامعه بپردازیم.

واژگان کلیدی: روابط دختر و پسر، جوانان و نوجوانان، دوستی های قبل از ازدواج،

ارزش های اسلامی

بخش اول: رابطه دختر و پسر و دیدگاه‌های مطروحه درباره روابط دختر و پسر

اسلام، نه تنها به دختران و پسران جوان به چشم موجوداتی خطرناک که باید محدود شوند، نمی‌نگرد، بلکه حتی غریزه جنسی را نیز در راه تشکیل خانواده و استمرار نسل و آرامش و شادابی (یعنی بهداشت روانی فرد و جامعه) به کار می‌گیرد. جوان، سرشار از استعدادهاست و غرایز مختلف او (حقیقت‌جویی، علم‌خواهی، زیبایی‌طلبی، آفرینش‌گری، و...) همگی نیرومندند. کدام انسان خردمندی می‌پذیرد که تمامی این غرایز، در پای غریزه جنسی قربانی شوند؟ اگر بپذیریم که آزادی روابط دختر و پسر، بهداشت روانی آنها و کل جامعه را به خطر می‌اندازد و انضباط اخلاقی آنها و کل جامعه را مختل می‌سازد، ناگزیر باید به سطحی از محدودسازی روابط، تن در دهیم؛ محدودیت‌هایی که برای افراد سالم جامعه، یک انتخاب عاقلانه‌اند و برای بیماران هوس، یک اجبار، تا نتوانند آزادانه از دیگران بهره‌کشی کنند و روح و جسم دیگران را بیازارند (عابدینی، ۱۳۷۹: ص ۷۸). در چند دهه‌ی اخیر، به خصوص در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط میان دختران و پسران جوان و نوجوان در کشور ما همواره به صورت یک مسأله و معضل اجتماعی مطرح بوده است. سؤالی که برای اولیاء و مربیان همیشه مطرح بوده است این بود که چه کنند تا نوجوانان و جوانان به شکل نامتعارف با افراد غیر همجنس رابطه برقرار نسازند؟ دوستی و عشق آنان را چگونه چاره ساز باشند؟ چگونه فرزندان‌شان را کنترل کنند تا با افراد غیر همجنس رابطه برقرار نسازند؟ در مورد ارتباط بین دختر و پسر، حداقل می‌توان سه دیدگاه را مطرح کرد.

بند اول: دیدگاه تفریطی یا سخت گیرانه

بر پایه‌ی این رویکرد، هر گونه ارتباط و پیوند با جنس مخالف، مردود و مورد نکوهش می‌باشد. این دیدگاه، نقطه مقابل دیدگاه افراطی است. راسل می‌گوید: «پدران کلیسا از ازدواج به زشت‌ترین صورت یاد کرده‌اند. هدف ریاضت این بوده که مردان را متقی سازد. بنابراین می‌گفتند: ازدواج که عمل پستی شمرده می‌شد، بایستی منعده شود.» (برتراند راسل، ۱۹۲۹: ص ۳۰). طرفداران دیدگاه سخت گیرانه می‌گویند: هر نوع ارتباط میان دختر و پسر و زن و مرد جز در صورت اضطرار ممنوع است؛ زیرا رابطه‌ی میان این دو، رابطه‌ی آتش و پنبه است

و برای دوری از خطر، عقل حکم می کند که این دو، هر چه بیشتر از همدیگرددور نگه داشته شوند. بر این مبنا، هر نوع ارتباطی میان دو جنس مخالف، ممکن است باعث جرقه‌های شود که کنترل آن در اختیار هیچ یک از طرفین نباشد. از این گذشته، تأثیرات منفی شنیدن صدای نامحرم و هر نوع مصاحبت با وی، در روح انسان قابل انکار نیست.

بند دوم: دیدگاه افراطی یا سهل گیرانه

در این نگرش، هر گونه ارتباطی با جنس مخالف، آزاد و بدون مانع است. (رویکرد لیبرالیستی) فروید و پیروان وی مدعی هستند که اخلاق جنسی کهن، بر اساس محدودیت و ممنوعیت است و تمام مشکلات بشر به دلیل ممنوعیت‌ها، محرومیت‌ها، ترس‌ها و وحشت‌های ناشی از این ممنوعیت‌هاست که در ضمیر باطن بشر جایگزین شده است. برتراند راسل نیز همین مطلب را اساس قرار می دهد و در کتاب «جهانی که من می شناسم» می گوید: «اگر از انجام عملی زانی متوجه دیگران نشود، دلیلی نداریم که ارتکاب آن را محکوم کنیم» (برتراند راسل، ۱۹۱۹: ص ۶۸). اینان معتقدند: ایجاد هر نوع محدودیت و ممنوعیت در ارتباط میان زن و مرد، باعث برانگیختن حساسیت، افزایش التهاب و اشتیاق می شود. انسان بر اساس اصل: «الانسان حریص علی مامنع» وقتی در موردی با منع و محدودیت مواجه می شود، نسبت به آن حریص تر و کنجکاو تر می شود. از این رو، بهتر است که نحوه‌ی ارتباط دو جنس مخالف، همان گونه ای باشد که دو جنس موافق با هم مرتبط اند. از این گذشته، اوضاع حاکم بر جامعه‌ی جهانی، جدایی دو جنس مخالف را از هم ناممکن گردانیده است. زیرا عصر حاضر، عصر ارتباطات و اطلاعات است. همان گونه که در این عصر، فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب به گفتگو و ارتباط میان هم تن داده اند، باید ارتباط و مصاحبت میان همه افراد بشر را فارغ از جنسیت، نژاد، رنگ، دین و مذهب پذیرفت.

بند سوم: دیدگاه اعتدال

دو دیدگاه پیشین به یک اندازه مخدوش و مردودند، نه می توان ممنوعیت هر گونه ارتباط میان دو جنس مخالف، جز در صورت اضطراب را پذیرفت و نه می توان اهمیت و حساسیت رابطه‌ی دو جنس مخالف را در حد رابطه‌ی میان دو جنس موافق فروکاست؛ بلکه اعتدال در

روابط زن و مرد آن است که از هر گونه افراط و تفریط پرهیز شود؛ یعنی نه چنان سخت گیرانه و تنگ نظرانه برخورد شود که در نگاه عرف و عقلا به هیچ وجه قابل عمل نباشد و نه چنان سهل گیرانه نظر داده شود که باعث پیامدهای ناگوار و منفی گردد. معیار و میزان ارتباط درست و سالم با حفظ همه‌ی حریم‌هاست. قرآن کریم در بسیاری از موارد در روابط زن و مرد از کلمه‌ی «معروف» استفاده کرده است. «معروف به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بداند و با آن مأنوس باشد و با ذائقه‌ی ای که اهل هر اجتماع از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد، سازگار باشد این واژه، متضمن هدایت عقلی، حکم شرعی، فضیلت اخلاقی و هم سنت‌های ادبی و انسانی است و چون اسلام شریعت خود را، بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده است، «معروف» همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت و از مقتضای نظام خلقت منحرف نگردیده باشند». (طباطبائی، ۱۳۶۳: ص ۲۴). بر اساس این تعریف، باید معیار را در روابط زن و مرد روشی دانست که جامعه با در نظر گرفتن راهنمایی عقل و شرع و فطرت می‌پسندد. بنابراین، ممکن است یک رابطه‌ی ای در یک شرایطی پسندیده و در شرایطی دیگر ناپسند باشد یا برای عده‌ای پسندیده باشد و برای عده‌ای دیگر ناپسند. به عنوان مثال، در عرف متشرعه، اگر ارتباط دو جنس مخالف در زمینه‌ی علمی، دینی یا اجتماعی و سیاسی باشد، پسندیده و معروف است؛ هم چنین اگر این ارتباط، جهت گفتگو و تصمیم‌گیری در مساله ازدواج و آینده‌ی زندگی مشترک باشد. اما اگر مسائل مورد گفتگو، مسایل جنسی و شهوانی باشد، نگاه‌هایی که رد و بدل می‌شود معنادار باشد؛ حرکات و اطواری که طرفین نشان می‌دهند، محرک و مهیج باشد؛ پوشش‌ها نادرست، سبک و جلف باشد؛ صحبت‌ها بی‌محتوا، بی‌فایده و با خنده‌های بلند و وهن آمیز همراه باشد، از منظر عرف متشرعه و عقلا، منکر و ناپسند است یا کسی از جهت ظاهری حد پوشش شرعی را رعایت کند، اما نحوه‌ی پوشش او چنان تنگ، چسبان و محرک باشد که به نظر عرف و عقلا، منکر و ناپسند باشد یا ممکن است گفتگوی دختر و پسر در مسایل علمی، فرهنگی، سیاسی یا حتی دینی و قرآنی باشد، اما شیوه‌ی سخن گفتن و حرکات همراه آن باعث شود که این ارتباط منکر و ناپسند شمرده شود.

بخش دوم: بررسی و شناخت آسیب‌های ناشی از روابط دختر و پسر در سنینی

حساس نوجوانی

روابط دختر و پسر، دارای آفت‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی جبران‌ناپذیری است که چند نمونه آن به شرح زیر است:

بند اول: سرکوب شدن استعدادها

یکی از مهم‌ترین عواملی که با وجود رشد نیروهای جسمی، فکری و روحی نوجوان، مانع از به جریان افتادن صحیح و اصولی آنها و تأمین سعادت آینده او می‌شود، تسلط میل جنسی بر وجودش می‌باشد. عدم کنترل این میل، سبب می‌شود که تمام حواس و توجهات انسان و تمام قوای جسمی و مغزی او معطوف هوس بازی‌ها شود و اگر عملاً هم موفق به هوس بازی نگردد، تمام فکر و ذهن او به وسیله این خیالات و افکار، اشغال شده و او مجالی برای انجام کار دیگری و شکوفایی اندیشه و استعدادش پیدا نمی‌کند. این شعله‌ای که در سراسر وجودش زبانه می‌کشد، تمام تر و خشک را با هم می‌سوزاند و شکوفه‌های تازه دمیده در گلزار شخصیت معنوی اش را طعمه آتش سوزان می‌کند. اظهار محبت به جنس مخالف از جمله همین موارد است که با یک سلام و احوال‌پرسی ساده آغاز می‌شود و یا به انگیزه اهداف آموزشی و غیره شروع می‌شود؛ ولی به تدریج، نوع رابطه و گفت‌وگو تغییر پیدا کرده، بر میزان و کمیت آن نیز افزوده می‌شود و تا آن جا پیش می‌رود که انسان تمام انرژی عاطفی خود را می‌خواهد در همین گفت‌وگوها و ارتباط‌ها هزینه کند و هرگز به همان حداقلی که در روزهای اول داشته، اکتفا نمی‌کند و بر همین اساس است که از همان آغاز، باید از ایجاد ارتباط عاطفی و مبتنی بر احساسات، اجتناب کرد. بنابراین، ما برای اظهار محبت به جنس مخالف (چه منشأ سوء تفاهم بشود و چه سوء تفاهمی را به دنبال نداشته باشد)، دلیل موجه و قابل قبولی را نمی‌شناسیم و در واقع، اگر هم باعث سوء تفاهم نشود، باعث سوء رفتار می‌شود و به تدریج، دو طرف در گردونه‌ای وارد می‌شوند که چه بسا هیچ کدام خواستار آن نبودند؛ گردونه‌ای که گاهی رهایی از آن، مستلزم هزینه کردن تمام انرژی روانی و جسمانی فرد و قرار گرفتن در بن بست شدید است (صبور اردوآبادی، ۱۳۶۸: صص ۸۷ - ۸۸). جالب

این است که تقاضای کمک و فریادرسی از افرادی است که معمولاً در ابتدای کار، به خود مطمئن بوده اند و تصمیم جدی شان آن بوده که وارد ارتباط احساسی و غیرمعقول و از نظر اخلاقی غیرصحیح، نشوند و تنها می خواستند در حد ارتباط عادی و یا به قول شما یک سلام و احوال پرسی و یا اظهار محبت باطنی با طرف مقابل داشته باشند.

بند دوم: افت تحصیلی یا رکود علمی

این گونه روابط، باعث می شوند که دو طرف تمام فکر و توجه و تمرکز خود را صرف دیدارها و ملاقات های حضوری و تلفنی خود کنند و این بزرگ ترین مانع برای رشد و ترقی علمی است؛ زیرا تحصیل دانش، نیازمند تمرکز نیروهای فکری و روحی است. دل مشغولی و اضطرابی که بر اثر این گونه پیوندها پدید می آید، بزرگ ترین سد راه تعالی علمی و تحصیلی است؛ از این رو، مشاوران مدارس و دانشگاه ها توصیه می کنند که هنگام تحصیل و امتحانات، مراسم خواستگاری و عقد را به تأخیر اندازند؛ تا افراد بتوانند با تمرکز و آسودگی خیال، در انجام تکالیف درسی و امتحانات موفق شوند؛ چه رسد به روابط فرصت سوز مستمری که بسیار انرژی سوز است. مطالعه و درس، در زندگی هر انسانی، به ویژه در دوران دانش آموزی، از مهم ترین عوامل سازنده شخصیت وی می باشد که فدا کردن آن به خاطر تن دادن به دوستی های احساسی و غیرآگاهانه و پاسخ گویی به خواست های تمام نشدنی هوس و میدان دادن به میل جنسی، خطایی نابخشودنی و شکستی بزرگ و رسوا کننده است. تجربه نشان داده که این نوجوانان و جوانان، به علت پریشانی افکار و حواس پرتی، ذوق درس خواندن و اشتیاق هر گونه مطالعه ای را اعم از کتاب های درسی و غیر درسی به کلی از دست می دهند. اگر زندگی بزرگان، شخصیت های علمی، محققین، نوابغ و دانشمندان و متفکرین را مورد مطالعه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که همه آنان افرادی بوده اند که از خوش گذرانی ها و هوس بازی خود را کنار کشیده اند و احتیاجات جسمی و غریزی خود را از طریق مشروع و معقول و در حد اعتدال، برآورده اند (افروز، ۱۳۸۱ص ۳۲). دروغ بزرگی است اگر کسی بگوید: میل جنسی، سراسر وجودش را گرفته و ذهن و زبان او را دوستی های نامطلوب با جنس مخالف پر ساخته، اما از نظر درس، مطالعه و تحقیقات علمی، لطمه اساسی بر او وارد نشده است و به ویژه

در دوران نوجوانی و جوانی، تحقق چنین امری، از محالات است. «با شکل گیری روابط عاطفی بین دختر و پسر و افزایش تدریجی آن، زمینه وابستگی آنها به یکدیگر و تشدید آن فراهم می‌شود و از آن جا که نیاز به محبت ورزیدن و مورد محبت واقع شدن، در دوران جوانی، به اوج خود می‌رسد و فضای نسبتاً مناسبی برای ارضای این نیاز (هر چند به طور غیرصحيح آن) در محیط آموزشی و دانشگاهی وجود دارد، به شکل خودکار، دختر و پسر در این کانال قرار می‌گیرند، در اکثر موارد، به طور ناگهانی و بدون توجه به نتیجه کار، گرفتار چنین گردابی می‌شوند و آن را با عنوان‌های عرف پسند و موجه، پوشش می‌دهند و باطن غیرموجه آن را با ظاهری نیکو و پسندیده، جلوه گر می‌نمایند (علم مهرجردی، ۱۳۸۱: ص ۶۸).

به این ترتیب، علاقه ابتدایی شدت یافته، با وجود تصمیم اولیه دو طرف یا یکی از آنها، کم کم به وابستگی به یکدیگر تبدیل می‌شود. این وابستگی، در بسیاری موارد شاید در تمام موارد - آفت بزرگی برای تمرکز حواس، تحصیل و تفکر عمیق در امور درسی آنها می‌شود؛ به گونه ای که گاهی مطالعه و حضور در کلاس درس را غیرممکن می‌سازد و هر کدام از آنها در تمام اوقات شبانه روز و حتی در کلاس درس، در فکر طرف مقابل است. این سخن، ادعای بدون پشتوانه ای نیست و اگر به نوشته‌های چنین افرادی مراجعه کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود. (پرسمان، ۱۳۸۴: شماره ۳۸)

بند سوم: ایجاد جو بدینی

اغلب این گونه دوستی‌ها و روابط، به ازدواج منتهی نمی‌شود و اگر هم به ازدواج بینجامد، پس از مدتی، جو بدینی و سوء ظن آن دو نسبت به هم، فضای زندگی شان را، جهنمی خواهد ساخت و هر دو در آن خواهند سوخت. «بر اساس یک یافته پژوهشی در آمریکا، زوج‌هایی که پیش از ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند، زندگی زناشویی آنها با مشکلات فراوانی رو به رو است و منجر به طلاق می‌شود. دکتر «کاترین کوهان»، استاد دانشگاه ایالت پنسیلوانیا گفت: طبق آخرین تحقیقات، افرادی که پیش از ازدواج با یکدیگر رابطه داشته اند، بعد از ازدواج، در حل مشکلات خود عاجزند؛ زیرا که نسبت به یکدیگر بسیار بدین هستند. کوهان گفت: طبیعت ارتباطات آزاد، این است که زوجین چندان انگیزه ای برای حل درگیری‌ها و حمایت

از مهارت‌های خود ندارند. وی افزود: به نظر می‌رسد ارتباطات این افراد، زودتر از افرادی که با یکدیگر دوست نبوده‌اند، سرد و منجر به طلاق می‌شود. وی در پایان گفت: می‌توانم بگویم رابطه قبل از ازدواج، به هیچ وجه، سبب دوام زندگی زناشویی نمی‌شود» (بیات، ۱۳۸۶: ص ۲۵).

بند چهارم: اضطراب، تشویش و احساس نگرانی

در دوستی‌های موجود بین دختران و پسران، از آن جا که مقاومتی بسیار قوی از طرف پدر و مادر یا جامعه برای ممانعت از برقراری این دوستی‌ها وجود دارد، این گونه دوستی‌ها، با مخاطرات روانی گوناگونی، مانند اضطراب و تشویش همراه است. وجود افکار دیگری چون احساس گناه، نگرانی از تهدیداتی که توسط پسر، برای فاش کردن روابطش با دختر صورت می‌گیرد، یک تعارض درونی و اضطراب مستمر را به دنبال دارد. بنابراین، وجود چنین دلهره‌ها و اضطراب‌هایی که گاهی لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر جسم و روان انسان وارد می‌کند، از آسیب‌های جدی این گونه روابط است. هم چنین هیجانات کاذب، مثل خیال ازدواج، خوش بختی و در نتیجه، شکست روحی، قربانی شدن دختران به خاطر از بین رفتن آبروی آنها و خانواده‌شان و حتی اقدام به خودکشی از دیگر آسیب‌های این نوع ارتباط است.

بند پنجم: فقدان شناخت درست و واقع بینانه

کسانی که مدعی‌اند که این گونه روابط و دوستی‌ها با انگیزه ازدواج شکل می‌گیرد، با کمی دقت، در خواهند یافت که روح حاکم بر این گونه دوستی‌ها، عاقلانه و از سر اندیشه نیست؛ بلکه در آغاز و یا پس از مدتی، تنها عامل ادامه روابط، میل و کشش جنسی خواهد بود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ الشَّيْءِ يُغْمِي وَ يُصِمُّ؛ دوست داشتن چیزی [آن هم ناآگاهانه و از سر هیجان و احساسات]، انسان را کور و کر می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۲). «وابستگی‌هایی که بین دختر و پسر ایجاد می‌شود، مانع‌گزینه‌ش صحیح و دقیق برای شریک آینده‌زندگی می‌شود و از آن جا که دختر یا پسر به فردی خاص وابسته شده، تمام نیکی‌ها، خوبی‌ها، زیبایی‌ها را در فرد مورد علاقه خود می‌بیند و دیگر توان مشاهده عیوب احتمالی طرف مقابل را ندارد؛ زیرا از روی علاقه و از پشت عینک وابستگی، به طرف مقابل نگاه می‌کند؛ نه با نگاه خریدار و نه با نگاه نقادانه و بررسی‌کننده‌ای که تمام نقاط ضعف و قوت او

را در ترازوی حقیقت بین، مورد دقت و مشاهده قرار دهد» (پرسمان، ۱۳۸۴ : شماره ۳۸). دوستی و ارتباط احساسی و غیرعقلانه قبل از ازدواج، راه عقل را مسدود و چشم واقع بین انسان را کور می سازد و اجازه نمی دهد تا یک تصمیم صحیح و پیراسته از اشتباه گرفته شود. این نوع انتخاب ها که در فضایی آکنده از احساسات و عواطف انجام می گیرد، به دلیل نبود شناخت عمیق و واقع بینانه، اگر هم به ازدواج منتهی گردد، زندگی مشترک را تلخ و آینده را تیره و تار می سازد.

بند ششم: محرومیت از ازدواج پاک

هر انسانی در سرشت و نهاد خویش، به دنبال پاکی و نجابت است. دخترانی که در پی روابط آلوده هستند، در حقیقت، پشت پا به سرنوشت خود زده اند و این امر، باعث می شود که آنان به جرم آلودگی به این روابط، شرایط ازدواج پاک را از دست بدهند و اگر به وسیله این گونه روابط ناسالم، در ازدواج پسران نیز تأخیر ایجاد شود دختران بیش از پسران، در معرض این آسیب قرار می گیرند. «روابط دختر و پسر، بیش از آن که مفید باشد، تهدید کننده نهاد خانواده در جامعه به شمار می آید. با نگاهی به آمار می توان دید که آمار طلاق در بین کسانی که قبل از ازدواج، ارتباط های دوستانه داشته اند، بالاتر است. از طرفی آشنایی و ارتباط دختر و پسر در محیط اجتماع، بیشتر از آن که معرفت ساز باشد، فروزنده هوس ها و معرفت سوز است. عمدتاً دیده می شود فرد آن گونه که هست، خود را نشان نمی دهد یا به سبب محبت و عشقی که ایجاد شده، نمی تواند عیوب طرف مقابل و جوانب مختلف قضیه را بسنجد. بیشتر رفتارها در آشنایی های خیابانی به شکل های تصنعی ابراز می شود» (عابدینی، ۱۳۷۹:ص ۴۵).

بند هفتم: عدم استقبال از تشکیل کانون خانواده

این گونه روابط و دوستی ها، معمولاً به انگیزه تفنّن و سرگرمی شکل می گیرد و در خلال آن از خودباوری و زودباوری دختران، سوء استفاده می شود. متأسفانه در بسیاری از موارد، تفاوت عشق و هوس، دیده نمی شود. عشق حقیقی و پاک، با هوس های آلوده و زودگذر، تفاوت جوهری دارد. برخی از این روابط که مبتنی بر هوسرانی و سرگرمی است، پس از مدتی، رو به سردی و افول می نهد. جاذبه و دل ربایی ها، مربوط به روزها و ماه های اول دوستی است؛ ولی

دیری نمی باید که این روابط، عادی شده، به جدایی می کشد. حس تنوع طلبی انسان از یک طرف و فقدان عامل بازدارنده از طرف دیگر، باعث می شود که برخی سراغ ازدواج و تشکیل خانواده نروند. جامعه ای که از تشکیل کانون خانواده استقبال نکند، هیچ گونه ضمانتی برای رشد و شکوفایی فضایل انسانی در آن وجود ندارد. اغلب خوبی ها و کمالات والای انسانی، در پرتو تشکیل خانواده ای سالم، به فعلیت می رسد.

بند هشتم: کم رنگ شدن ارزش های مکتبی و فرهنگ اصیل ایرانی

غرق شدن جوانان در عشق های آن چنانی و دوستی های ناباب، نتیجه اش دوری از معنویات و از دست رفتن ارزش های انسانی و الهی است که، نتیجه اش نابودی سرمایه های انسانی و بهترین فرصت برای رواج فرهنگ بی خدایی و ابتذال غرب و تسلط دشمنان دیرین اسلام و قرآن در کشور است. آیا تجربه کشور اندلس اسلامی که جوانان را از راه فساد و فحشا، از ارزش های الهی و انسانی تهی کردند و توانستند شکست را بر آنان تحمیل کنند، برای ما کافی نیست؟ آیا می دانیم که چرا دنیای بی خدای غرب و آمریکا، برای رواج ابتذال و تهی سازی جوانان از ارزش های دینی هزینه های نجومی می کند؟ (مطهری، ۱۳۷۹: ص ۸۹).

بند نهم: انحطاط اخلاقی

شکل گیری شخصیت انسان، تابع نوع رفتار کسانی است که با آنها رفت و آمد دارد. بنابراین، نوع دوست در تعیین سرنوشت و ساختن حقیقت انسان، بسیار مهم است. ریشه بسیاری از مفاسد اخلاقی از همین دوستی ها و روابط، ناشی می شود که سبب سقوط انسان در گناه و معصیت می گردد. ما نمونه بارز آن را در جوامع غربی شاهدیم. طبق آمار، در دهه ۱۹۹۰، از هر سه کودک آمریکایی، یکی نامشروع بوده است و از همین روست که انحطاط اخلاقی در غرب، باعث نگرانی شده است. دوستی ها و روابط نامطلوب دختران و پسران، بزرگ ترین مانع رشد و کمال انسانی است. دوستی های غیر صحیح، باعث می گردد که دختران و پسران به صورت ابزاری در آیند که هر روز، تغییراتی در آرایش، پوشش، حرکات و... داشته باشند و این، چیزی جز مشغول شدن به کارهای بی ارزش و دور شدن از هدف اصلی و شناخت خود و شکوفایی خلاقیت ها و عقب ماندن از قله کمال نیست. در این صورت، انسان به دنبال

خواسته‌های دیگران است و خودش را فراموش می‌کند. در آستانه بلوغ، شرم و حیا در هر نوجوان عفیفی، مانع از این است که او به طرف مسائل غریزی تنزل کند و با وجود این که در این دوران، هورمون‌های جنسی شخص را تحریک می‌کنند و به جنس مخالف متمایل می‌کنند، اما به جهت همان حجب و حیای فطری، فرد به نوعی احساس حقارت نمی‌کند. شخصیت‌های بزرگ و چهره‌های ماندگار، کسانی بوده‌اند که با پاکی و تقوا زیسته‌اند و هرگز عظمت روحی و شخصیت معنوی خود را در قربانگاه نفس و شهوات، ذبح نکرده‌اند؛ اما افسوس که برخی از نوجوانان و جوانان، به جهت ضعف اراده و فقدان تجربه و اطلاعات لازم و یا انحطاط و آلودگی محیط زندگی خود و اطرافیان، با تسلیم شدن در برابر طوفان غرایز و شهوات، آن پاکی و معصومیت فطری و ذاتی خویش را از دست می‌دهند و راه تکامل و سعادت ابدی را به روی خود می‌بندند (مطهری، ۱۳۷۹: ص ۷۱). اگر از دیدگاه قرآن کریم، انسان را تعریف کنیم، در خواهیم یافت که روابط دختر و پسر، با عظمت و بزرگی انسان، سازگار نیست. امام علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود: «نفس خویش را عزیز بشمار و به هیچ پستی و دنائتی، تن مده؛ گرچه عمل پست، تو را به لذت برساند؛ زیرا هیچ چیز با شرافت نفس، برابری نمی‌کند و [به جای عزت از دست داده] عوضی همانند آن نصیبت نخواهد شد و بنده دیگران نباش که خداوند، تو را آزاد آفریده است». «اکرم نفسک عن کل دنیه و ان ساقطک الی الرغائب فانک لن تعترض بما تبدل من نفسک عوضا و لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» (نهج البلاغه: نامه ۳۱). هم چنین فرمود: «کسی که نفس شرافتمند و باعزتی دارد، هرگز آن را با پلیدی گناه، خوار و پست نخواهد کرد». «من کرمتم علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه» (غررالحکم ودرر الکلم: ح ۸۷۳۰). شیخ رجب علی خیاط می‌گوید: «اگر تو برای خدا قیام کنی، تمام عوالم خلقت، دلیل راه تو هستند؛ چون کمال آنها، در فنای در تو می‌باشد. آنها می‌خواهند آن چه را در فطرت دارند، تحویل دهند؛ تا به کمال واقعی برسند و اگر انسان برای خدا قیام کند، همه عوالم وجود سر راه او صف می‌کشند؛ تا آن چه در خود دارند، به او عرضه کنند و راهنمای او باشند». امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند، تمام کارهای مؤمن را به خود او واگذار کرده، ولی به او اختیار نداده که خود را خوار و ذلیل کند».

«ان الله عزوجل فوض الى المومن اموره كلها و لم يفوض اليه ان يذل نفسه» (التهذيب الاحكام، ج ۶: ص ۱۷۹).

بند دهم: تهدید، مهم ترین سرمایه دختر و پسر

دختران و پسران، تا حدی می توانند تشخیص دهند که همسرشان با جنس مخالف ارتباط داشته است یا نه؟ دختران و پسرانی که با گروه مخالف ارتباطی نداشته اند، یک حس خوبی دارند که زندگی مشترک را لذت بخش تر و شیرین تر می کنند؛ اما این حس خوب زنانه و یا مردانه، با روابط عاطفی و غریزی، کشته می شود و آن حس پاک، از بین می رود و شریک زندگی، برای او تازگی ندارد و آن لذتی را که دو همسر پاک از هم می برند، این دو از هم نمی برند و این نکته تا حدی برای آن دو قابل درک است. در یک نظرسنجی از پسران بی شماری پرسیدند: شما مایلید با کدام دسته از دختران ازدواج کنید؟ همه گفتند: مایلیم با دخترانی ازدواج کنیم که با جنس مخالف، ارتباط نداشته اند.

بند یازدهم: احساس گناه

شکی نیست که ما در جامعه ای دینی زندگی می کنیم که اکثریت مردم از آموزه های دینی و اخلاقی متأثر هستند و به آنها احترام می گذارند. گرچه ممکن است هر فردی سال های اول زندگی و نسبت به برخی از دستورات دینی، اطلاع دقیقی نداشته باشد، ولی به طور ناخودآگاه و به تدریج، به بسیاری از هنجارهای اخلاقی و اجتماعی جامعه دینی، آگاهی پیدا می کند. اظهار محبت و طرح رابطه دوستی با جنس مخالف، از رفتارهایی است که جامعه دینی و ارزشی، آن را نمی پسندد و به آن خرده می گیرد و اگر اندک دقتی در متون دینی و سخنان رهبران دینی صورت گیرد، روشن می شود که ارتباط با جنس مخالف، از چارچوب و قوانینی خاص برخوردار است و آزاد و بدون محدودیت - آن گونه که در جوامع غیردینی شیوع دارد و به عنوان یک ارزش تلقی می شود نیست؛ بلکه نگاه اسلام به این گونه ارتباط ها، منفی است و همه به ویژه جوانانی را که در اوج غریزه جنسی هستند، از ایجاد ارتباط عاطفی و احساسی با جنس مخالف، نهی کرده است. حال اگر به علت عدم آگاهی، غفلت و یا تغافل، در دوره جوانی، فردی مرتکب چنین رفتاری شد، مدت زمان زیادی نمی گذرد که جوان به خود

می‌آید و به گذشته خود می‌اندیشد و رفتارهای خود را با ملاک‌ها و معیارهای اخلاقی و شرعی مقایسه کرده و آنها را محک می‌زند و یا با قرار گرفتن در موقعیت‌ها و شرایط زمانی و مکانی معنوی - که بسیار هم پیش می‌آید - دچار پشیمانی شده و اگر نتواند به درستی از این فضای روانی خارج شود، احساس گناه می‌کند و این احساس گناه، منشأ بسیاری از ناگواری‌های روحی و روانی می‌شود. لازم به ذکر است که تجدیدنظر نسبت به اعمال غیرمعمول و غیرمشروع گذشته و پشیمان شدن از آنها و تصمیم بر ترک آنها، امری مقبول و شایسته‌تر و بلکه لازم و ضروری است و آن چه به عنوان یک پیامد منفی در این جا از آن یاد می‌شود، آن احساس گناه منفی و شدیدی است که بر فضای فکری فرد حاکم شده، توان خارج شدن از آن را در خود نمی‌بیند و همراه با یأس و ناامیدی مطلق است و توان حرکت به سوی اصلاح و تغییر رفتار را از شخص می‌گیرد. نکته قابل توجه آن است که آسیب‌پذیری جوانانی که به ارزش‌های دینی و اخلاقی احترام می‌گذارند و به آنها پای بند هستند، بیشتر است و آنان به خاطر آشنایی بیشتری که با دستورات دینی و اخلاقی دارند، بیشتر در معرض احساس گناه شدید و پیامدهای منفی آن قرار می‌گیرند (عابدینی، ۱۳۷۹: ص ۴۵).

بند دوازدهم: خیانت به همسر آینده

اغلب دختر و پسرهایی که با هم ارتباط دارند و نامشروع به برخی از نیازهای روانی و جسمانی شان پاسخ می‌دهند، با هم ازدواج نمی‌کنند و پس از پایان دوره‌ای که با هم مرتبط بودند، با شخص دیگری ازدواج می‌کنند و این، خیانتی به همسر آینده شان می‌باشد. همه سرمایه‌های جسمی، روانی و معنوی دختران و پسران، از آن همسر آینده شان است و آنان حق ندارند برای افراد دیگری که از سر فریب و تفرق با او دوست شده‌اند این سرمایه را هزینه کنند؛ اما متأسفانه برخی این خیانت را مرتکب می‌شوند و با ارتباط نامشروع با دیگران حقوق همسر آینده خویش را از بین می‌برند که این عمل، کانون گرم خانواده را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

بخش سوم: نگاهی تحلیلی به دلایل و انگیزه های برقراری ارتباط با جنس مخالف

بند اول: وعده ازدواج

یکی از بهانه های ارتباط بین پسران و دختران وعده ازدواج از ناحیه پسر است و معمولاً با این وعده ها پسران با دختران ارتباط پیدا می کنند. در حقیقت، دختر و پسر با طرح مسئله «ازدواج» با یکدیگر رفاقت کرده، سعی می کنند نیازهای عاطفی همدیگر را برآورده کنند، اما حقیقت امر این است که این وعده ها در حدّ خیال بافی می مانند و جامه عمل نمی پوشند؛ زیرا خانواده چنین افرادی را در حدّ لازم پخته و شایسته برای ازدواج نمی یابند، طرح مسئله «ازدواج» از سوی پسر اگر هم صورت گیرد، با مخالفت خانواده اش روبه رو می شود و حتی اگر پسر به خواستگاری دختر نیز برود، خانواده دختر چنین ازدواجی را نمی پسندند. بنابراین، وجود فکر ازدواج در بین دختران و پسران تنها نوعی ساز و کار دفاعی برای ایجاد رضایت خاطر و رهایی از اضطرابی است که در نتیجه عمل بر خلاف قواعد و هنجارهای خانواده و جامعه صورت می گیرد. بهترین روش ایجاد ارتباط، در پرتو اصول دینی است که خانواده پسر از خانواده دختر خواستگاری کند و تحت نظارت والدین تحقیقات ادامه یابند و از خصوصیات همدیگر مطلع شوند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ص ۳۵).

بند دوم: انگیزه جنسی

از انگیزه های دیگر ارتباط دختر و پسر بهره بری جنسی است. این پدیده در میان اقشاری از جامعه که از لحاظ رشد فکری و فرهنگی در انحطاط شدیدی به سر می برند، بیشتر دیده می شود. این افراد برای ارضای غرایز جنسی خود، همه ی ارزش های خانوادگی و فردی خود را قربانی می کنند و دست به رفتاری می زنند که برای اغلب افراد جامعه، بسیار پست تلقی می شود. چنانچه این ارتباط های ناپسند منجر به رابطه ی جنسی بین دختر و پسر شوند مشکلات زیادی را برای دختر، که قربانی اصلی این رابطه است به دنبال می آورد. اشتغال ذهنی درباره ی این موضوع که مبادا این ارتباط برای او در آینده مشکل ساز باشد، تعادل روانی او را به نحو چشم گیری بر هم می زند و فشار روانی زیادی بر او تحمیل می کند. چنین دخترانی در ازدواج

با مشکل روبه رو می شوند و حاضر به ازدواج نیستند و زمانی که با فشار خانواده روبه رو می شوند و تن به ازدواج می دهند، همیشه نگران افشای رابطه گذشته خود هستند و از اینکه همسرشان از رابطه مخفی آن ها در گذشته آگاه شود رنج می برند.

بند سوم: توهم قدرت و جاذبه

یکی دیگر از انگیزه های دوستی با جنس مخالف این است که پسران داشتن دوست دختر را یک قدرت اجتماعی برای خود تصور می کنند و دختران نیز داشتن یک دوست پسر را یک جاذبه فردی و اجتماعی برای خود به حساب می آورند. اما طول نمی کشد که پی خواهند برد این قدرت نمایی و جاذبه ارائه شده به قیمت از دست دادن بسیاری از جاذبه ها و قدرت های اجتماعی و شخصیتی دیگر تمام شده، در نتیجه، دوستی ها به پایان می رسند و حسرت ازدست دادن شرافت و ارزش مندی خویش، دنیایی از تعارض را در درون دختر و پسر باقی می گذارد.

بند چهارم: پناه جویی به یکدیگر

دختران و پسرای که مورد بی محبتی در خانواده قرار می گیرند و از وضعیت روانی و اجتماعی خویش ناراضی هستند و در این زمینه، خود را سرگردان و آشفته می یابند، از طریق برقراری روابط پنهان با جنس مخالف، درصدد کسب رضایت و یا به عبارت دیگر، به دنبال یافتن شرایطی هستند که برای آن ها اطمینان خاطر و رضایت مندی بیشتری فراهم کند و پناه گاهی برای جبران کمبود محبت خود فراهم سازند. اما اطمینان خاطری که دختران و پسران از طریق برقراری دوستی بین خود جستجو می کنند هیچ گاه حاصل نمی شود؛ زیرا این روابط پنهانی و به دور از چشم خانواده صورت می گیرد. به همین دلیل، دختر و پسر باید وقت و توان زیادی صرف کنند تا بتوانند زمینه این رابطه را فراهم کنند و تحمل ترس و اضطراب مستمری که دو طرف باید تحمل کنند تا این روابط از چشم آشنایان پنهان بماند، رضایت مندی و آرامشی را که به دنبال آن هستند خنثی خواهد کرد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ص ۳۵).

بخش چهارم: حوزه های مطالعاتی آسیب شناسی روابط دختر و پسر

روابط پسران و دختران جوان، در کشور ما به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح است لذا بر اولیای خانه و مدرسه و به تبع آنها مسئولین فرهنگی و اجتماعی لازم است این مسئله را به طور

علمی بررسی نمایند و از هرگونه تصمیم احساسی خودداری کرده و با شناخت کامل آسیب‌ها، زمینه‌ها و راهکارهای علمی و تخصصی با این انحراف برخورد نمایند. این آسیب‌ها می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

بند اول: آسیب روانی

فقدان حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است، هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد؛ همچون آتشی که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود (مطهری، ۱۳۷۹: ص ۶۹). روح بشر فوق‌العاده تحریک‌پذیر است، اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام‌نشده‌ای است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت، دست‌نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۹: ص ۷۲). حال اگر در سطح جامعه، جاذبه‌های جنسی رواج یابد و دختر و پسر روابطی آزاد داشته باشند، جلوه‌گری‌های موجود در برخورد و حالات دختران موجب جلب توجه پسران شده، انحراف اذهان و آشفتگی فکر و دل آنها را در پی دارد. البته خود دختران نیز ضربه‌پذیر هستند زیرا چه بسیار دخترانی که سبب شوق دست‌یابی به نشانه‌های مقبول زیبایی و زنانگی به اختلالات روانی دچار می‌شوند. (سعداوی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۸) از طرف دیگر اگر در کوچه و خیابان، دلبری مرسوم گردد و جلوه‌گری، هنر دختران محسوب شود و در روابط دختر و پسر تعاذب و دل‌بندی به میان آید، دخترانی که از زیبایی لازم برخوردار نیستند، در فشار و استرس قرار می‌گیرند و همیشه احساس کمبود و حقارت می‌نمایند و لطمه‌های جدی بر روح و روان آنان وارد می‌شود. آفت دیگر این است که افراد در این نوع روابط که معمولاً ناپایدار بوده و براساس سودجویی است نه تعهد، به شکست در عشق منتهی می‌شوند. و در نتیجه روح لطیف و با نشاط آنها گرفتار افسردگی می‌شود. ویل دورانت می‌گوید: «زنی که عاشق شد و

معشوق خود را از دست داد، ممکن است این گمشده برایش جبران ناپذیر باشد. او روح خود را به تصویر خاصی پیوسته است و هر جا برود خاطراتش او را دنبال خواهند کرد (ویل دورانت، ۱۹۲۹: ص ۱۴۶). عشق بازی‌های خیابانی قبل از ازدواج، آسیب دیگری نیز دارد و آن این است که دائماً از فاش شدن روابط گذشته و تاثیر آن بر زندگی آینده دچار تشویش خاطر و نگرانی هستند و این نگرانی اثر مخربی بر بهداشت روانی انسان می‌گذارد.

بند دوم: آسیب اجتماعی

جوانان به مثابه یک گروه اجتماعی و به سبب برخورداری از روحیه نوجوانی، تمایل به متفاوت بودن دارند. از طرفی این قشر بیشتر مخاطب ارزش‌ها و هنجارهای جدید قرار می‌گیرند. در میان متغیرهایی نظیر اینترنت و ماهواره و دیگر مصادیق فن آوری ارتباطات و اطلاعات نیز به نوبه خود بر کیفیت مطالبات و مناسبات جوانان تاثیر می‌گذارند. حال چنانچه جامعه‌ای در درون خود پاسخی شایسته، درخور و اقناع‌کننده برای این خواسته‌های تحول‌گرا نداشته باشد آنگاه فرهنگ خارجی از طریق وسایل ارتباط جمعی به حریم خصوصی شهروندان راه پیدا کرده و هر فرد آنگونه که خود می‌خواهد از این مظاهر به اصطلاح متجددانه قدر السهم خود را برمی‌دارد. لازم به یادآوری است که جوانان، پدیده‌هایی پویا هستند و در قالبی کلیشه‌ای نمی‌توان آن‌ها را درک نمود یا نسبت به مسائل آن‌ها اظهار نظر کرد. به بیان دیگر مفهوم جوانی، خود در حال تحول بوده و به موازات آن، تجربیات و معانی پیوسته با رفتارهای مربوط به جوانان نیز دگرگونی پذیرفته است (افشارکهن، ۱۳۸۸: ص ۴۵). آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماعی است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است زیرا از طرفی شخصیت و کرامت زن را در حد یک کالا برای کام جویی مردان تنزل می‌دهد و امنیت روانی لازم را برای فعالیت اجتماعی او از بین می‌برد، و از طرف دیگر مردان، تمرکز حواس و دقت کافی را برای کارهای خود ندارند. هر چه روابط دختر و پسر ضابطه‌مندتر شود اجتماع سالم‌تر خواهد شد و افراد جامعه بهتر به کار خود رسیدگی کرده، جوانان در محیط کار، درس و دانشگاه راحت‌تر خواهند بود و به پیشرفت‌های بیشتری خواهند رسید (بیات، ۱۳۸۶: ص ۲۵). تفاوت جامعه‌ای که روابط جنسی را به محیط خانوادگی محدود

می کند با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می شود این است که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است. دهه ۸۰ نقطه انفجار آسیب های اجتماعی است و ما نمی توانیم از کاهش یا برطرف کردن این آسیب ها صحبت کنیم، زیرا چنین کاری ممکن نیست و تنها راه چاره کنترل و مدیریت این آسیب هاست. تمام آسیب های اجتماعی میل به گسترش دارند که اگر در شکل ساختاری به صورت جدی قصد پیشگیری داشته باشیم، شاید تا حدودی موفق شویم. بنابراین انجام هرگونه برنامه ریزی و فعالیت در راستای کاهش آسیب های اجتماعی در بین نوجوانان جامعه از چند جهت ضروری است چرا که از یک طرف با کاهش آسیب های اجتماعی، ضریب امنیت اجتماعی بالا رفته، از طرف دیگر سرمایه ای که به دلیل افت تحصیلی و فرار از مدرسه هزینه می شود، کاهش می یابد، هزینه هایی که صرف ایجاد امنیت در جامعه می گردد در امر آموزش و تعالی فرهنگی جامعه صرف می شود، پس می طلبد تا در راستای شناخت عوامل کنترل کننده و کاهش دهنده آسیب های اجتماعی تلاش بیشتری کنیم (افروز، ۱۳۸۱: ص ۹۲). به طور کلی دو نوع نگرش نسبت به آسیب های اجتماعی وجود دارد: یک نگرش که عمدتاً متوجه چگونگی جرایم و نفوس بزه های اجتماعی، شیوع، گستردگی، عمق، شدت و آثارناصواب آن است. صاحبان چنین نگرشی، بیشترین هم خود را در جهت وضع قوانین گوناگون، ساخت زندان، مبارزه با کژروی ها و بالطبع مبارزات با مجرمان، به خصوص از طریق زندان صرف می کنند. نگرش دیگر معطوف به خصیصه ها و توانایی های اجتماعی فرد بزهکار است که مرتکب جرم می شود. درواقع در این نوع نگرش محور توجه، انسان هایی اند که به رغم مشابَهت فراوان با بسیاری از همسالان خود از نظر شرایط اقتصادی - اجتماعی، به علل خاصی (عدم آشنایی کافی با مهارت های اجتماعی) دچار آسیب پذیری اجتماعی می گردند؛ صاحبان چنین نگرشی دوست دارند تمام اندیشه و تلاش خود را متوجه شناخت عوامل پدید آیی رفتارهای آسیب زا نمایند و راه حل مسئله را در آموزش و ارتقای سطح آگاهی مهارت ها و انطباق پذیری اجتماعی فرد می دانند. بر اساس دو نوع نگرش فوق الذکر می توان دو راه حل برای مسئله (کاهش آسیب های اجتماعی) مطرح نمود: راه حل اول که اصطلاحاً می توان آن را راه حل

کوتاه مدت، سطحی و سخت افزاری نامید، به مواردی چون ساخت زندان، استخدام پلیس بیشتر، تشدید مجازات مجرمان و ... به منظور مبارزه با مجرمان تاکید دارد در حالی که راه حل دوم در مقابل راه حل اول قرار دارد و اصطلاحاً راه حل دراز مدت، ریشه ای و نرم افزاری نامیده می شود به عواملی چون فرهنگ سازی، اجتماعی کردن، درونی نمودن ارزش ها و هنجارهای جامعه از طریق آموزش مهارت های اجتماعی تاکید دارد. در واقع می توان چنین استنباط نمود که ریشه ی اغلب آسیب پذیری های اجتماعی دانش آموزان را باید در عدم آشنایی کافی آنها با مهارت های اجتماعی دانست؛ به طوری که نقطه ی کوری در رشد شخصیت دلخواه و اجتماعی جوانان وجود دارد و آن این است که متأسفانه جوانان امروز خود را نشناخته اند و به توان و قدرت فراوان خود باور ندارند، به علاوه از شرایط و موقعیت اجتماعی خود آگاهی ندارند. مع الوصف بررسی نقش آموزش مهارت های اجتماعی در کاهش آسیب های اجتماعی در مدارس ضروری است. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ص ۲۵)

بند سوم: آسیب خانوادگی

معاشرت های آزاد و بی حد و مرز در برخی خانواده ها، زمینه بی بند و باری پسران و دختران را فراهم ساخته و ازدواج را به صورت یک وظیفه، تکلیف و محدودیت در آورده است. تفاوت جامعه ای که روابط جنسی را به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی محدود می کند با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می شود این است که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آن ها را ملزم می سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می بخشد (مطهری، ۱۳۷۹: ص ۷۵). پس آسیب اول، بی رغبتی به ازدواج و تشکیل خانواده است. آسیب دیگر این است که روح بی اعتمادی و سوء ظن در جامعه اوج می گیرد و این همان چیزی است که قرآن کریم از آن نهی فرموده است. بنابراین روابط آزاد، زمینه ساز بسیاری از سوء ظن ها است. نکته دیگری که در جوامع آزاد و مختلط، خانواده ها را تهدید می کند این است که زن و مرد، همواره در حال مقایسه اند، مقایسه آنچه دارند با آنچه ندارند و آنچه ریشه

خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه‌ها آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند. اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به نهان‌خانه زناشویی و محیط خانواده و در کادر ازدواج، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود. پس آسیب اول، بی‌رغبتی به ازدواج و تشکیل خانواده است. آسیب دیگر همان است که ویل دورانت می‌گوید: «مرد، نگران و مضطرب است که مبدا کسی پیش از او زنش را تصرف کرده باشد.» (ویل دورانت، ۱۹۲۹: ص ۱۴۱). پسری که قبل از ازدواج با افراد زیادی ارتباط داشته است، به هنگام ازدواج به هر دختری که نظر کند، می‌پندارد او نیز با پسرهای متعددی ارتباط داشته و پاک و عقیف نیست و در نتیجه روح بی‌اعتمادی و سوءظن در جامعه اوج می‌گیرد و این همان چیزی است که قرآن کریم از آن نهی فرموده است (هجرات: آیه ۱۲). بنابراین روابط آزاد، زمینه‌ساز بسیاری از سوءظن‌ها است. نکته دیگری که در جوامع آزاد و مختلط، خانواده‌ها را تهدید می‌کند این است که زن و مرد، همواره در حال مقایسه‌اند، مقایسه آنچه دارند با آنچه ندارند و آنچه ریشه خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه‌ها آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند (حداد عادل، ۱۳۵۹: ص ۶۹).

بند چهارم: آسیب تربیتی

آسیب دیگری است که به دختران و پسران در این زمینه وارد می‌شود. وقتی دختری فردی رابطه‌مدار با چند پسر معرفی می‌شود جایگاه خود را به عنوان فردی شایسته برای تربیت، در ذهن اولیای خانه، مدرسه، جامعه و حتی دوستانش ازدست می‌دهد. مثلاً دختری که در سال جاری به کلاس دوم دبیرستان می‌رفت به دلیل فاش شدن دوستی و ارتباط نامناسب او با پسران، بدون این که رسماً از مدرسه و جامعه اخراج یا طرد شده باشد از رفتن به مدرسه محروم شده است؛ زیرا از یک سومدرسه با دید منفی به او می‌نگرد و از سوی دیگر دوستای وی دیگر با او همراهی و هم‌فکری ندارد. پدر و مادر نیز او را مایه آبروریزی خانواده می‌دانند، چنین دختری عملاً از سیر تعلیم و تربیت و رشد اخلاقی به دور می‌ماند (احمدی، ۱۳۷۳: ص ۵).

بخش پنجم: پیامدهای روابط دختر و پسر

مهم ترین پیامد این روابط در جوامع مدرن این است که چنین روابطی از سطح یک رابطه اجتماعی به یک نهاد اجتماعی تبدیل می شود. این نهاد کارکرد و آثار مخصوص به خود را دارد و خواه ناخواه جایگاه خود را در جامعه خواهد یافت. این نهاد کم کم به نهادی تبدیل می شود که رقیب خانواده خواهد بود. ممکن است این روابط به قدری پیشرفت کند که به تدریج خانواده نام گیرد. خانواده فقط در تعریف های رایجی که از آن وجود دارد قرار نمی گیرد؛ برای مثال روابط دختر و پسر را می توان در تعریف انواع خانواده لحاظ کرد. علاوه بر نهادینه شدن این روابط به عنوان جایگاهی در جامعه، عواملی چون توسعه فردیت، زیر پا گذاشتن معیارهای اخلاقی، بحران نسل و بسیاری مشکلات و مسائل دیگر از پیامدهای دیگر این روابط هستند. سوء ظن افراد نسبت به یکدیگر نیز (البته این به شرطی است که هنوز در عرف اجتماع این روابط ناهنجار محسوب شوند) نیز از پیامدهای این روابط است؛ زیرا والدینی که با یکدیگر چنین روابطی داشته اند، هم نسبت به فرزندان شان کنترل بیشتری دارند و هم نسبت به همسر خود همواره ظنین هستند. از طرف دیگر روابطی که تکرار می شوند کم کم به صورت عادت درمی آیند و نمی توان از دختر یا پسری که به این روابط عادت کرده است انتظار داشت بعد از ازدواج از رفتارهای گذشته دست بردارد. این روابط علاوه بر خانواده، به ارزش ها و نهاد دیانت نیز لطمه می زند. از آن جا که ما در جامعه ای دینی زندگی می کنیم، این روابط ارزش های دینی را خدشه دار خواهد کرد. از طرف دیگر آسیب های روانی که دختر و پسر از این نوع روابط می بینند، به مراتب بیشتر از آسیب هایی است که ممکن است در خانواده رخ دهد. برای مثال در روابط دختر و پسر، شخص برای برآوردن خواسته خود تهدید می کند و چون نهاد حامی و کنترل گری مانند خانواده وجود ندارد، آسیب های فراوانی ایجاد خواهد کرد و به تدریج داشتن چنین روابطی عادی می شود. در کنار این آسیب ها، بحث هویت نیز مطرح می شود. دختر و پسری که با هم دوست هستند، نسبت به هم احساس مالکیت می کنند و البته این مالکیت یک طرفه است و فرد احساس نمی کند که مالکیت طرف مقابل را هم بر خود پذیرفته است. غیر از مسئله هویت، سبک زندگی دنیای مدرن، تنوع خواسته ها و

توسعه آن‌ها هم وجود دارد. برای مثال به محض اینکه یک نفر از رابطه دوستی کسی کنار می‌رود، به جای تحلیل کردن دلایل جدایی، به فکر نفر بعدی است سبک زندگی مدرن، مانند یک فروشگاه بزرگ، انواع و اقسام انتخاب‌ها برای خرید یک محصول را برای مشتری القا می‌کند. این تنوع طلبی و توسعه خواسته‌ها، در میان افراد نیز نهادینه می‌شود. عادت کردن به چنین روابطی برای فرد، هویتی می‌سازد که ادامه این روابط را تقویت خواهد کرد. یک روان شناس در کتاب خود، درباره کسانی که به او مراجعه کرده بودند، از قول خانمی گفته بود چندین سال است به روابط آزاد جنسی معتاد شده و هر قدر هم سعی می‌کند آن را ترک کند، دوباره وسوسه می‌شود؛ یعنی داشتن چنین روابطی، جزئی از هویت آن‌ها می‌شود. فرهنگ خواستن موجب می‌شود فرد برای تجربه کردن موقعیت‌های جدید، با افراد بیشتری ارتباط برقرار کند. پیامدهای روابط دختر و پسریکی از پیش نیازها و کلیدهای موفقیت و آرامش در زندگی، آشنایی با روان‌شناسی ارتباطات و آگاهی از فنون و تکنیک‌های ارتباطی با گروه‌های مختلف اجتماعی بویژه گروه غیر هم‌جنس می‌باشد. عدم تعریف روابط سالم و هدف‌مند بین گروه‌های غیر هم‌جنس با تأکید بر رویکرد دینی و فرهنگ بومی و ملی، موجب تنش‌ها و تلخی‌های آزاردهنده بین اعضای خانواده بخصوص بین والدین و فرزندان نوجوان و جوان و نیز بروز آسیب‌هایی نظیر فرار دختران و پسران از خانه، ازدواج‌های ناموفق، دوستی‌های ناسالم دختران و پسران، احساس شکست و ناکامی در فرآیند این نوع دوستی‌ها و به دنبال آن گسترش اعتیاد، خودکشی، افسردگی، افت تحصیلی و ده‌ها معضل و مشکل دیگر در بین لایه‌های مختلف اجتماع گردیده است. بنابراین بازکاوی و تبیین روابط دختر و پسر یکی از ضروریات بسیار مهم جامعه امروز ما به شمار می‌آید (فرمehنی فراهانی، ۱۳۸۳: ص ۷۸).

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری پایانی این مقاله باید گفت بررسی نتایج پیش‌گیری از روابط آسیب‌زا در حیطه (آسیب‌های روانی-عاطفی) نشان می‌دهد حدود نیمی از دانش‌آموزان دختر و پسر که دارای رابطه نامشروع هستند، تا مرز افسردگی پیش می‌روند. و دختران پس از برقراری رابطه یا اتمام آن، دچار افکار آزاردهنده‌ای چون احساس گناه و عذاب وجدان می‌شوند. نگرانی از

تهدیدات یکی از طرفین برای فاش کردن روابط، یکی از عوامل زمینه ساز اختلالات روانی در دختران می شود. همچنین اکثر دختران و پسرانی که دارای روابط نامشروع بوده اند، در زندگی مشترک خود در آینده، دچار بی اعتمادی به همسر خود می شوند و رابطه نامشروع دختران و پسران، پس از ازدواج باعث تقویت حس تنوع طلبی و در نتیجه نارضایتی از ازدواج می شود. و احتمال طلاق در ازدواج های خیابانی بسیار بیشتر از سایر ازدواج ها است. همچنین دختران و پسرانی که دارای رابطه نامشروع هستند، باعث ایجاد تشنج و ناآرامی در خانواده خود می شوند و فضای صمیمیت در خانواده هایی که دختران یا پسران آن ها دارای رابطه نامشروع هستند، کمتر از سایر خانواده ها می باشد؛ با داشتن رابطه نامشروع دختران و پسران، احساس امنیت اجتماعی در خانواده آن ها تنزل می یابد. در پایان و با توجه به اینکه مسائل ارتباطی با جنس مخالف در حال حاضر در حال تبدیل به یکی از مهم ترین آسیب های اجتماعی دوره نوجوانی و جوانی می شود پیشنهاد می شود که:

الف- ارائه مداخلات آموزشی مبتنی بر پیش گیری از روابط آسیب زا در برنامه های آموزشی مشاوران مدارس دوره متوسطه قرار گیرد. علاوه بر آن سایر سازمان هایی که در زمینه نوجوانان فعالیت دارند (نظیر سازمان ملی جوانان، امور فرهنگی شهرداری ها، صدا و سیما، کانون های پرورش فکری و امثال آن) نیز ارائه آموزش هایی در زمینه چگونگی برقراری ارتباط صحیح با جنس مخالف را مدنظر قرار دهند. این در حالی است که با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران به نظر می رسد که گام اول در این زمینه، ایجاد یک توافق و اجماع نظر بین مسئولان و متولیان این امر به ویژه در حوزه های اجتماعی و اخلاقی است. علاوه بر آن به نظر می رسد که هر گونه برنامه آموزشی می طلبد که نگرش والدین را نیز به این گونه روابط در نظر گرفت.

ب- تدوین جلسات آموزشی به دور از هر گونه تعصب خاص باشد و واقع بینانه به مساله روابط با جنس مخالف پرداخته شود تا بتوان آموزش هایی ارائه کرد که تاثیرگذار باشد. بررسی نگرش خانواده و در نظر گرفتن آموزش های ویژه برای والدین در زمینه های مختلف روابط با جنس مخالف و چگونگی برخورد آنها با نوجوانان و بیان دیدگاه های مذهبی در مورد روابط

دختر و پسر، در پیش گیری از روابط آسیب زا موثر است؛ چرا که انسان به خصوص در نوجوانی در زمینه مسائل مختلف به ویژه مسائل جنسی و رابطه با جنس مخالف کنجکاو است و تلاش می کند سوالات خود را در درجه اول از والدین بپرسد. بسیاری از والدین به دلیل نداشتن اطلاعات کافی و صحیح در این زمینه آنها را بی ادب و بی حیا تلقی می کنند، در نتیجه نوجوان به سوی منابع اطلاعاتی دیگر از جمله دوستان و رسانه های گروهی نظیر اینترنت و ماهواره روی می آورد و احتمال اینکه اطلاعات ناقص و نادرست در اختیار وی قرار گیرد، زیاد و این مساله خود باعث ایجاد آسیب های بیشتری می شود.

ج- راهبردها و پیش نهادهایی برای اتخاذ تدابیر مناسب به منظور مقابله صحیح با این واقعیت اجتماعی، از طریق نهادهای تربیتی، رسانه ای جمعی، والدین، مشاوران مدارس و... به نظر می رسد رعایت موارد ذیل نیز موجبات کاهش شکست تحصیلی دانش آموزان را فراهم می کند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد....

- احمدی، علی اصغر، کتاب تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران چاپ: چهارم، زمستان ۱۳۸۶، دفتر نشر معارف.
- افروز، غلامعلی، آسیب‌های اجتماعی، ریشه‌ها و چاره‌ها، ماهنامه پیوند، شماره ۲۸۰، تهران، ۱۳۸۱
- افشارکهن، جواد، گونه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان ایران با تاکید بر وضعیت دختران، فصلنامه کتاب زنان، ۱۳۸۸، شماره ۴۴
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴
- بخارایی، احمد، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، نشر پژوهاک جامعه، ۱۳۸۶
- برتراند راسل، جهانی که من می‌شناسم، ۱۹۱۹م، کتاب زناشویی و اخلاق، ۱۹۲۹م
- بیات، بهرام، فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، چاپ اول، ۱۳۸۶
- حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی،
- خرمشاهی، بهاء الدین، انصاری، مسعود، پیام پیامبر، چاپ اول، منفرد، تهران، ۱۳۷۶
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش، ج ۱۳
- دهنوی، حسین، نسیم مهر، ج ۱، انتشارات خادم الرضا(ع)، قم، ۱۳۸۶
- رزاقی، افشین، نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، چاپ آسیم، تهران؛ ۱۳۸۵
- زینتی، علی، فصلنامه کتاب زنان سال ششم، شماره، «اسلام و روابط دختر و پسر»، ۱۳۸۲
- شریفی، پاشا حسن، روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۰
- شاملو احمدی، محمد حسین، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، نشر دادیار، چاپ سوم، ۱۳۹۹
- شیخ دارائی، هما، اثر بخشی آموزش پیش گیری از روابط آسیب زا بر نگرش دانش آموزان پسر، ۱۳۸۰

- صفائی، حسین و امامی، اسدالله. مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان، چاپ هشتم، بهار ۸۴
- صدیق سروستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶
- خوانساری، حسین، مقاله تفسیر ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۰.
- صدوق، محمدبن علی ابن بابویه قمی، عیون أخبار الرضا (ع)، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ه ق.
- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- عابدی، محمد رضا، فرمت آموزش روابط سالم و پیش گیری از روابط آسیب زای دختر و پسر، ۱۳۸۴
- فرمehنی فراهانی، محسن، بررسی محتوای مناسب برای تربیت جنسی درمدارس از دیدگاه والدین، معلمان و دانش آموزان، تربیت اسلامی، ۱۳۸۳، شماره ۸.
- کوثری، محمدرضا، ، بررسی علل رابطه با جنس مخالف در دانش آموزان دختر دوره راهنمایی تحصیلی منطقه ۱۸ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۷۴.
- لطف آبادی حسین، روانشناسی رشد، انتشارات آستان قدس مشهد، چاپ هشتم، ۱۳۸۴